

به ماده شش بوده است که مینویسد در عرض هشت سال هشتصد هزار دلار که تقریباً دو کرور است کمیانی خرج نماید حالا فرض نمائید که چهار صد هزار دلار خرج کند آن قدر اهمیتی ندارد بنا بر این مواد این قرارداد راجع است بترتیب و طرز عمل و اگر يك قطعه زمین هم داشته باشد ممکن است استخراج کند این است که از نقطه نظر اساسی و آنچه علمای معرفت الارض گفته اند تصور میکنیم دو ایالت کافی باشد و بقیه برای بعدها باشد دیگر بسته است بنظر مجلس.

رئیس - آقایانیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام فرمایند (عده قلیلی قیام نمودند) رئیس - قابل توجه نشد . ماده اول پیشنهادی کمیسیون قرائت میشود و رأی میگیریم . (بشرح ذیل قرائت شد)

ماده اول - به موجب این امتیاز نامه دولت به صاحب امتیاز حق مخصوص و مانع تغییر برای معاینه و استکشاف و حفر چاهها و استخراج و بدست آوردن و تحصیل کردن و عمل کردن نفتها و گازهای طبیعی و موم طبیعی (اوز کریت) و قیر و مازوت و سایر مواد (هیدوکاربور) متجانس نفت همه متفرعات یا مشتقات مواد مذکوره را در تمام آذربایجان به انضمام اردبیل و خراسان و استرآباد و مازندران به ضمیمه تنکابن که ذیلا تحت عنوان قطعات چهار گانه نام برده میشود اعطا مینماید .

رئیس - رأی میگیریم باین ماده آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند . (اکثر قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد . باقی مواد میمانند برای جلسه دیگر پیشنهادی هم از طرف آقای روحی رسیده است و يك پیش نهاد دیگری هم از طرف آقای طهرانی راجع به تزئین جلسات يك پیشنهاد دیگری هم هست که قبلا قرائت میشود بعد پیش نهاد راجع به جلسات قرائت میشود . پیش نهاد آقای میرزا شهاب قرائت میشود . (بشرح ذیل قرائت شد)

بنده پیشنهاد میکنم متن فرانسه امتیاز نفت شمال طبع و بین نمایندگان توزیع شود . رئیس - پیشنهادی هم از طرف آقای امیر احتشام در همین زمینه رسیده است قرائت میشود . (بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام محترم ریاست مجلس مقدس بنده در تأیید نظریه آقای آقا میرزا شهاب الدین پیشنهاد مینمایم که نسخه فرانسه مواد امتیاز طبع و بین آقایان نمایندگان محترم هر کس که طالب مراجعه آن باشد توزیع شود .

این کار را میکند لازم به رأی گرفتن نیست . (در این موقع آقای وزیر امور خارجه از مجلس خارج شدند)

رئیس - از طرف دولت طبع خواهد شد . (بعضی از نمایندگان - در مجلس طبع خواهند شد) رئیس - آقای آقا میرزا شهاب . (اجازه)

آقا میرزا شهاب - اساس این پیشنهاد برای این بود که در آخر این قانون مینویسد متن فرانسه معتبر خواهد بود البته بعضی از آقایان نمایندگان فرانسه میدانند و نسخها را که بالاخره باعتبار آن باید رأی بدهند ندیده اند

چیز ندیده را چطور رأی بدهند يك قسمت از آقایان هم که فرانسه نمیدانند مثل بنده آنها هم ممکن است به اشخاصی که مطمئن هستند و فرانسه را خوب میدانند مراجعه نمایند و متن فارسی را با فرانسه تطبیق کنند تا در موقع رأی دادن از روی علم و اطلاع رأی بدهند

اما اینکه آقای وزیر امور خارجه فرمودند خود دولت طبع میکند اگر دو ماه طول بکشد یا برای اواخر کار و ختم قضیه رسید تکلیف چیست ؟ بنا بر این بعقیده بنده باید مثل سایر لوايح که در مطبعه مجلس طبع میکنند این را هم طبع کنند .

مخبر بنده از طرف وزیر امور خارجه و دولت تعهد میکنم که برای قبل از رأی گرفتن بماده واحده حاضر شود

رئیس - رأی میگیریم . آقا سید یعقوب بنده مغالطه برای اینکه در صورتیکه دولت قبول میکنند طبع نماید دیگر مجلس نباید طبع کند و مخبر محترم هم که خودشان فرمودند که چاپ میکنند و تقدیم میشود حالا ما اصرار میکنیم که در مطبعه مجلس چاپ شود .

رئیس رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند (اکثر قیام نمودند) رئیس - تصویب شد . پیش نهاد آقای روحی . (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام ریاست محترم مجلس شورای ملی . بنده پیش نهاد میکنم تا اوقاتیکه امتیاز نفت در مجلس شورای ملی تحت مذاکره و جریان است در کلیه ایام به استثنای جمعه هوه روزه صبح ها مجلس منعقد شده و دستور منحصر بمذاکره در اختتام امتیاز نفت باشد

روحی - تصور میکنم محتاج بتوضیح نباشد زیرا تمام مردم بایک انتظاری منتظر هستند که عمل نفت باسرع وقت تمام شود . (همه ها) حالا آقایان نمایندگان های و هو میکنند بکنند .

آقایان حقوق میگیرند و روزی شش ساعت باید برای ملت کار کند ممکن است صبح ها برای مسئله نفت جلسه تشکیل بدهید و عصر ها هم در کمیسیون ها مشغول کارهایتان باشید های و هو ندارد شهادت مقابل کار پول می گیرید . رأی بگیریید تا بدانند کی مخالفت میکنند .

رئیس رأی میگیریم باین پیشنهاد . آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند . (عده قلیلی قیام نمودند)

رئیس رد شد . پیشنهاد آقای طهرانی قرائت میشود . (بشرح ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی نظر باینکه در آتیه نزدیک جلسات مجلس تصادف با تعطیلات ایام معمر و صفر می نماید و نظر با اهمیت گذشتن امتیاز نفت این بنده پیش نهاد می نمایم که جلسات دلمنی مجلس هفته چهار روز شده و سه روز مختص بمذاکره امتیاز مزبور باشد و یک روز آن آن اختصاص بسایر امور مهمه داده شود . رئیس - اگر میل دارید توضیح بدهید . آقا شیخ محمد علی طهرانی - رأی بگیریید .

رئیس رأی میگیریم به این پیشنهاد آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند . (عده قیام نمودند)

رئیس رد شد . جلسه آتیه روز يك شنبه چهار قبل از ظهر وزیر مالیه لایحه ایست در موضوع خروج پوست بره از سرحدات ایران سال گذشته قانونی از مجلس شورای ملی گذشت که خروج پوست بره را از ایران قلعن می کرد يك عده از تجار ایرانی هستند که پوست بره دارند و در مدت مقرر قانونی نتوانستند خارج کنند و این اسباب خسارت برای کلیه تجار ایرانی شده است از مجلس تقاضا میشود اجازه داده شود پوست هایی که فعلا هست خارج شود .

رئیس بکجا باید مراجعه شود وزیر مالیه چون موقع تابستان و گرما است و پوست ها را بید میزند استدعای کنم که بفوریت از مجلس بگذرد رئیس بکدام کمیسیون مراجعه شود (بعضی از نمایندگان بکمیسیون قوانین مالیه) (مجلس يك ساعت و نیم از ظهر گذشته ختم شد) رئیس مجلس شورای ملی . موتمن الملك منشی معظم السلطان م . شهاب

جلسه ۳۸

صورت مشروح

مجلس یوم یکشنبه ۲۹

سرطان ۱۳۰۳ مطابق ۱۷

ذی حجه ۱۳۴۲

مجلس دو ساعت و نیم قبل از ظهر ریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید) صورت مجلس یوم پنجشنبه ۲۶ سرطان را آقای آقا میرزا شهاب قرائت نمودند رئیس - آقای حاج میرزا عبدالوهاب (اجازه)

حاج میرزا عبدالوهاب - يك جزه از عرایض بنده را که در جلسه قبل در موقع مذاکره در کلیات لایحه نفت راجع بمندرجات روزنامه ایران بنده سؤال کردم در صورت مجلس نوشته اند بفرمائید اصلاح نمایند

رئیس - آن روز مذاکره شده گفته شد هر چه گفته میشود تماماً نباید در صورت مجلس نوشته شود

حاج میرزا عبدالوهاب - بسیار خوب . رئیس دیگر ایرادی نیست

بکنفر از نمایندگان خیر . رئیس - قبل از این که داخل دستور شویم چند سئواله عرض خدمت آقایان داشتم .

التهال قضیه فاجعه روز جمعه وقت قتل قنسول ناکام امریکا آقایان همه مطلع هستند و لازم نیست توضیح واضعی کرد و عرض کنم از این قضیه بهت آور متالم و متأثریم .

عموم نمایندگان صحیح است بلکه می توانیم عرض کنم تمام ملت ملت ایران از این واقعه موله متأثر هستند و خبر این واقعه را با کمال تنفر و خشم و غضب تلقی خواهند کرد .

نمایندگان صحیح است برای اینکه ما يك ملت غریب و مهمان نوازی هستیم که هیچ نوع حساب سومی نسبت بخارجی ها نداریم همیشه آن هارا بایک آغوش باز پذیرفته ایم مخصوصاً آنهائیکه می توانسته اند يك درس هائی بمانند دهند و در طریق تعالی و تربی بمانند بکنند .

غرض از عرض بنده این بود که هر کس در همچو موقعی يك تکلیفی دارد و البته باید بتکلیف خودش عمل بکند و دولت تکلیفش این است که جفا این امر را تعقیب بکند و مرتکبین را بدست آورده و مجازات نماید

(نمایندگان صحیح است) ماهم بنوبت خودمان بنام هیئت و بنام حفظ شئون ملی و بنام حفظ ناموس ایران بایستی که با تمام قوا علیه آن اقدام

که این لکه سرخی کدر تاریخ ما پیدا شده است زائل شود و اگر اثرات سوئی بر خلاف واقع و حقیقت واقع شده بزودی مرتفع شود (نمایندگان صحیح است)

وزیر امور خارجه بیانات شافی و وافی که آقای رئیس محترم مجلس شورای ملی راجع بتأسف وتالم از وقوع واقعه روز جمعه فرمودند هیئت دولت رامستغنی میکند از این که در اظهار تأسف و تالم از این واقعه شرح و بطی بدهد بیانات ایشان البته احساسات کلیه ملت ایران است.

(نمایندگان صحیح است) حاجت نیست باینکه عرض کنم هیئت دولت کاملاً و تماماً باین احساسات همراه است و راه روز جمعه یکی از بزرگترین ضرباتی که بقلب ملت ایران است وارد آمده تلقی می کنند.

زیرا همانطور که آقای رئیس فرمودند ملت ایران همیشه ملت مهمان نوازی بوده است و می توان گفت این واقعه بی نظیر است و روح ملت ایران و روح مسلمانان ایران مسلمانانیکه یکی از تعلیمات دین آنها این است که باید بهمان اکرام و احترام نمود از این مطلب مزجر است (نمایندگان صحیح است)

اما اینکه فرمودند هر کس يك تکلیفی دارد و باید تکلیف خود را ادا کند فرمایش خیلی صحیحی است و هیئت دولت هم کاملاً در این عقیده است و هم در داد و تصمیم کرده بیک مصالحتی و برای اینکه بعضی تصرّرات بی ماخذ برای مردم حاصل نشود آقای رئیس الوزراء و هیئت دولت مخصوصاً در این اوقات اخیر همیشه توصیه و تأکید می کردند.

پروساها افراد نشونی که نسبت ب مردم با حسن سلوک و مدارا رفتار کنند و هیچوقت يك ترتیبی پیش نیاورند که موجب طرفیت قوای ملت با خود دولت شود باین مناسبت قوای نظامی دولت ساهی بوده است که همیشه با کمال بردباری رفتار کند و نظر بهمان عقایدی که ما داریم و تصور می کنیم.

بنمایند که این رفتار معتدانه که میکرداز روی ضعف نیوده و قدرت دولت بعدالله در منتهای کمال است و عزم دلمت هم در حفظ امنیت و جلوگیری از اعمال شناعت و جنایت کارانه کامل است و بهمین مناسبت امروز برای آنکه ملت سرعت و فوراً این تصمیم دولت رامطلع شود و دولت مجبور نشود بواسطه يك عملیاتی این قدرت و تصمیم خود را اعمال نماید اعلان حکومت نظامی داده است

و تادرجه آخر عزم و تصمیم دارد در کشف قضیه و تعقیب مرتکبین کوشش نماید و امید است که کاملاً هم موفق شود و اگر چه نمیتوانم عرض کنم واقعه روز جمعه جبران پذیر است ولی تا اندازه که ممکن باشد جبران خواهند نمود

رئیس در این مسئله باید مذاکراتی بشود یاد اخل در دستور

مدرس بنده اجازه خواسته ام رئیس جمعی اجازه خواسته اند.

مدرس موقع فوق العاده است و هر ایضم راعرض کنم.

آقا سید یعقوب خوب است رأی بگیرید.

مدرس خیر لازم ندارد من با حکومت نظامی مخالفم و اجازه هم خواسته ام باید هر ایضم راعرض کنم

آقای سید یعقوب بامر شما که نمی شود که مملکت ایران که مال شما نیست

دعوت بسکوت (صدای زنگ)

مدرس عرض کردم دوقره است که می خواهم عرض کنم یکی تأسف از واقعه که اتفاق افتاده است و یکی هم راجع به حکومت نظامی

رئیس قسمت اولش را عجلتاً بفرمائید

مدرس بسیار خوب قسمت ثانی راموقع دیگر عرض میکنم البته اظهارات و بیاناتی که آقای رئیس فرمودند همیشه یاغالباً بهترین بیانات است در وقایع ولیکن من هم از حبشی دوست داشتم بمدار بیانات آقای رئیس و آقای وزیر خارجه عرایضی بکنم و ظاهراً آقایان هم نظیرش را باز شنیدند و عرض کرده ام.

ملت ایران چون مسلمان هستند و دینشان هم اقتضا داشته است که ملل متنوعه را از هر حیث محترم بدارند

(نمایندگان صحیح است) جاناً و مالاً و شرفاً کما اینکه تاریخ ما هم نشان می دهد و در تمام انقلابات ملاحظه فرموده اید

هر نفع انقلابی که واقع میشد نسبت بملل متنوعه بی احترامی نشده و کمال آسایش علم و عملشان کم است این مسئله را سفارش رؤسای اسلام میدانستند که آنها رامهما ممکن محفوظ بدارند و من خیلی تأسف می خورم از اینکه این واقعه اتفاق افتاده است که نباید اتفاق افتاده باشد و انشاء الله الرحمن نظیر هم دیگر پیدا نخواهد کرد

کازرونی - انشاء الله مدرس - و البته همه ماها متأسفیم عرض بنده از جانب خودم و از جانب هم دین های خودم کدر حقیقت همه ملت ایران باشد اظهار تأسف می کنم اما در مسئله دیگر که آقای رئیس صلاح دانستند تفکیک شوه بنده هم اطاعت می کنم ولی عقیده ام این است که تمام موضوع حکومت نظامی بمجلس نیاید و در مجلس مورد بحث واقع نشود نباید در خارج ترتیب اثری باو داده شود

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

این واقعه که در تاریخ ایران و مشروطیت ایران هیچ سابقه نداشته بکنم و بالعکس وقتی که در دوره مشروطیت اردوی محمدعلی شاه بطرز می آمد و اشخاصی که در آن دوره آزاد خواه بودند تنگ در دست گرفته و سنگرها بافشون ارتجاع مقابله می کردند می کشند و کشته میشدند و باز بخت های خودشان ثابت می کردند که در آن یک عقیده ثابت می باشند وقتی که پالکوی و سایر صاحب منصبهای روس در تیر می آمدند بیگانه بگری نصیحت می کردند که چون این اشخاص اتباع خارجه هست ما نباید با آنها شلیک بکنیم (بعضی نمایندگان صحیح است) در موقعی که کشته میشوند و از طرف آنها شلیک میشد اشخاص آزاد خواه باین حال کشته میشدند و نمی کشند و اگر آقایان در نظر داشت باشند انمکاس این مطلب و این موقی شناسی و این دوستی و مهمان نوازی و حفظ سیاست که نشان می آید باعث شد که در جراند اروپا مقالات بسیاری نوشته شد و تمجیدات بسیاری از آزادیخواهان ایران نمودند که بعضی از آن مقالات را بنده ترجمه کرده و در جراند ایران هم نوشته بایک چنین احساسات و عقاید باعث راجع برای ایرانی ها و آزادیخواها وقوع یک چنین قضیه قابل مقیاس و سنجش نیست که یک چنین قضیه از طرف یک کمد جاهل از روی جهالت اتفاق افتد البته هر قدر ما اظهار تأسف کنیم کم است و امیدوار هستیم که در سایه فعالیت و قدرت دولت حاضر بزرگ اشخاص که سبب مرتکب این قضایا بودند گرفته و بشدت مجازات شوند تا بر عالیشان ثابت شود که ایرانیان همان ایرانی های قدیم و همان آزادخواهان سابق هستند در حفظ اصول مملکت خودشان کاملاً مصمم و مجدند چون مسئله نفط هم جزء دستور است بنابراین بنده خودم را اجازه نمیدهم که بیش از این داخل در این مذاکره شوم و بیک مرتبه دیگر عرض می کنم که در این مسئله منتها درجه اسباب تأسف و اهل مملکت است

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده عرضی ندارم هر ایض بنده همان بود که آقای مدرس فرمودند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - هر چند علی الاصول بعد از آنکه آقای رئیس فرمایشاتش فرمودند

که البته آن فرمایشات بنام عموم و کلا و اهالی مملکت ایران بود دیگر صحبت کردن بنده و سایر رفقا تکرار است و اگر هم خیلی زحمت بکشیم شاید صد بک فرمایشات آقای رئیس را نتوانیم تکرار کنیم ولیکن چون صحبت شروع شد بنده هم می موقع نداستم چند کلمه اظهار تأسف و تالم از

دوره پنجم

این واقعه که در تاریخ ایران و مشروطیت ایران هیچ سابقه نداشته بکنم و بالعکس وقتی که در دوره مشروطیت اردوی محمدعلی شاه بطرز می آمد و اشخاصی که در آن دوره آزاد خواه بودند تنگ در دست گرفته و سنگرها بافشون ارتجاع مقابله می کردند می کشند و کشته میشدند و باز بخت های خودشان ثابت می کردند که در آن یک عقیده ثابت می باشند وقتی که پالکوی و سایر صاحب منصبهای روس در تیر می آمدند بیگانه بگری نصیحت می کردند که چون این اشخاص اتباع خارجه هست ما نباید با آنها شلیک بکنیم (بعضی نمایندگان صحیح است) در موقعی که کشته میشوند و از طرف آنها شلیک میشد اشخاص آزاد خواه باین حال کشته میشدند و نمی کشند و اگر آقایان در نظر داشت باشند انمکاس این مطلب و این موقی شناسی و این دوستی و مهمان نوازی و حفظ سیاست که نشان می آید باعث شد که در جراند اروپا مقالات بسیاری نوشته شد و تمجیدات بسیاری از آزادیخواهان ایران نمودند که بعضی از آن مقالات را بنده ترجمه کرده و در جراند ایران هم نوشته بایک چنین احساسات و عقاید باعث راجع برای ایرانی ها و آزادیخواها وقوع یک چنین قضیه قابل مقیاس و سنجش نیست که یک چنین قضیه از طرف یک کمد جاهل از روی جهالت اتفاق افتد البته هر قدر ما اظهار تأسف کنیم کم است و امیدوار هستیم که در سایه فعالیت و قدرت دولت حاضر بزرگ اشخاص که سبب مرتکب این قضایا بودند گرفته و بشدت مجازات شوند تا بر عالیشان ثابت شود که ایرانیان همان ایرانی های قدیم و همان آزادخواهان سابق هستند در حفظ اصول مملکت خودشان کاملاً مصمم و مجدند چون مسئله نفط هم جزء دستور است بنابراین بنده خودم را اجازه نمیدهم که بیش از این داخل در این مذاکره شوم و بیک مرتبه دیگر عرض می کنم که در این مسئله منتها درجه اسباب تأسف و اهل مملکت است

رئیس - آقای حائری زاده (اجازه)

حائری زاده - بنده عرضی ندارم هر ایض بنده همان بود که آقای مدرس فرمودند

رئیس - آقای سلیمان میرزا (اجازه)

سلیمان میرزا - هر چند علی الاصول بعد از آنکه آقای رئیس فرمایشاتش فرمودند

که البته آن فرمایشات بنام عموم و کلا و اهالی مملکت ایران بود دیگر صحبت کردن بنده و سایر رفقا تکرار است و اگر هم خیلی زحمت بکشیم شاید صد بک فرمایشات آقای رئیس را نتوانیم تکرار کنیم ولیکن چون صحبت شروع شد بنده هم می موقع نداستم چند کلمه اظهار تأسف و تالم از

که ممکن است مدت این امتیاز را کمتر قرار بدهند و سایر شرایطش را قبول کنند یا سایر شرایط را تغییر بدهند ده مدت کمتر شود من این مدت ۵۰ سال را زیاد میدانم و خیال میکنم که با این ترتیب ما گفته ایم که برای احتکار این اراضی کمیاب اولویت دارد و خودمان نمیتوانیم احتکار کنیم از این جهت مخالفم

مخبر - آقای حائری زاده خودشان عضو کمیسیون نفت هستند و متأسفانه در کمیسیون هم اغلب همینطور اختلاف نظر مابین ایشان و سایر اعضاء کمیسیون بود در این موضوع بخصوص در کمیسیون همچو بغاظر دارم که خیلی مذاکره شد گذشته از اینکه در دوره چهارم در موقعی که قانون نفت تصویب میشد راجع بدست خیلی صحبت شد و دلایل و ایراداتی از طرفین ذکر شد و بالاخره عین همین ماده در دوره چهارم تصویب شد

در کمیسیون هم دلایل لازمه را برای اقتناع آقای حائری زاده گرفته ایم ولی متأسفانه اقتناع نشده اند این قسمت هم سگه حالا فرمودند راجع به زمین چاهها و چاه قنوت نفتی گمان میکنم این طرز جدیدی باشد و در آتیه بتوان این اصول را قبول کرد دیگران هم این طرز را از ما تقلید کنند و فعلاً از نقطه نظر اینکه این امر و این قانون دوسه سال است در مملکت ما پیش آمده و حال امیرود بمنزله آخرش برسد مدت ۵۰ سال را کمیسیون تصویب کرده است

دوره چهارم هم ۵۰ سال تصویب شده است و البته تصدیق میفرمائید که اگر ممکن بود مدت را کمتر بکنیم هم در دوره چهارم و هم در این دوره مضایقه نمیشد و البته در کمیسیونهای دوره چهارم و همین یک مسائلی در بین بوده است که مجبور باین ترتیب شده ایم و حالا هم بنده از طرف کمیسیون تمنا میکنم که مجلس شورای ملی این ماده را که یکی از مواد مهمه این قانون است بهمین ترتیب تصویب بفرمائند

ولی برای اینکه خاطر آقایان را تسکین سازم به سایر مواد این امتیاز نامه راجع میدهم آقایان را که در این مدت پنجاه سال که کمیابی متعهد شده است ۲۴ چاه حفر کنند و مطابق نصف ماده اول هم که بعنوان ماده اول گذشت ۴ ایالت هم صاحب امتیاز واکذار شده چاه نفت هم مثل چاه قنوت یک حریمی باید برایش منظور شود و البته وقتی که بنشیند نفت از چاه استخراج بشود هزار ذرع دو هزار ذرع بلکه ده هزار ذرع حفر خواهد بود که کس دیگر در اطرافش چاه حفر نکند که بتواند نفت خودش را استخراج کند

رئیس - رأی میگیریم بماده دوم که ماده سوم شده آقایانیکه تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب قیام نمودند) رئیس - تصویب شد ماده چهارم (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)

ماده ۳ - مدت این امتیاز پنجاه سال می شود قرائت می شود (شرح ذیل قرائت شد)



(اصلاح آقای آقا شیخ محمد علی طهرانی (بمضمون ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد می نمایم این عبارت اسقاط شود :  
(بامراعات این شرط که امتیاز بقانونیت و رسمیت خود باقی باشد .  
رئیس - آقای طهرانی .  
(اجازه)

آقا شیخ محمد علی طهرانی - بنده عرض می کنم پیشنهادها مبادیش مختلفست این عبارتی که در امتیاز نوشته شده تقریباً يك موادست ترجمه از فرانسه و تقریباً مطابق النمل بالنمل ترجمه کرده اند و ما متخصص در زبان فارسی داریم نمی توانیم از معانی این عبارت چیز بفهمیم لهذا پیشنهاداتی می کنیم از برای فهمیدن آنها استدعا میکنم از آقای مغبر که بیان فرمایند فایده این ماده چیست معلومست ما امتیاز داده ایم و امتیاز برسمیت خودش باقیست و دیگر اینکه اینجا مینویسد امتیاز برسمیت خودش باقی باشد این منطبق ندارد و با این ترتیب ممکنست در هر ماده بنویسند با رسمیت داشتن ماده قبل فلان هر طرا می کنیم مثلا در ماده دوم بنویسند با رسمیت داشتن ماده اول و در ماده سوم بنویسند با رسمیت داشتن ماده دوم و هكذا .

در صورتیکه بدیهیست امتیاز نامه رسمی است و اگر رسمی نباشد معنی ندارد باین جهت تقاضا میکنم یا توضیح بدهند که بنده قانع شوم یا اینکه این عبارت را حذف کنند .

مخبر - در این قسمت فرمایش آقا بنده اعتراضی ندارم که امتیاز نامه چنانکه گفته شد از فرانسه بفارسی ترجمه شده ولی باید تصدیق فرمایند که اختلاف مبادی اختلاف معانی تولید نمیکند و از آنطرف آن تخصصی که راجع بزبان فارسی فرمودند يك چیز مشترکست بین خیلی اشخاص و اما اینکه میفرمایند :

بامراعات این شرط که این امتیاز به رسمیت خود باقی باغد ، اینرا برای چه نوشته اند البته از نقطه نظر اصلی اعتراضی ندارد زیرا امتیاز در هر موقع از مواقع از رسمیت بیفتد نمیتوان قائل شد که صاحب امتیاز يك عملیاتی را ادامه دهد

اما هلت اینکه در این ماده بالاخصتصا این مسأله ذکر شده و در جاهای دیگر ذکر نشده مثلا شش ماه مدت برای اعزام متخصصین سه سال برای نقشه برداری و هشت سال برای کارهای دیگر چنانکه در مواد بعد معین میشود با هم يك مواعیدی معین شده که هر کدام از آن مواعید مورد الغای امتیاز میشود چون يك تعهد خاصی است از طرف صاحب امتیاز که اگر در آن موقع تعهد خودش را انجام نداد موجب الغاء امتیاز خواهد بود و باید این مادهها را به همدیگر نزدیک کرد که از معانی آنها استفاده بشود و این مسئله از نقطه نظر محکم کاری است و اساساً آقایان باید در

نظر داشته باشند که معمولا در این قبیل نوسنجات در اروپا معتقدند که از تکرار احترام نکنند و تکرار قضایا را موجب تحکیم میدانند و حقیقتاً هم تا يك اندازه همینطور است و چون در زبان آنها يك قواعدیست و در انشاء این قبیل مسائل آن قواعد را منظور می دارند و در حقیقت مرعی داشتن این احتیاط هم خوبست ما هم نباید مضایقه بکنیم از اینکه چرا يك مسأله روشن بدیهی در يك موقع مکرر ذکر شده .

آقا شیخ محمد علی - پیشنهاد خود را مسترد میدارم .

رئیس - مسترد داشتید ؟  
آقا شیخ محمد علی - بلی  
(پیشنهاد آقای شیروانی بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست محترم شورای ملی - بنده از چندین نقطه نظر که در ضمن توضیح عرض خواهم کرد بکلی این ماده را زائد میدانم پیشنهاد می کنم که حذف شود .

رئیس - بجز رأی نمی گیریم در موقعیکه بماده رأی میگیریم  
نشاخصی که قابل بحد قند رأی نمیدهند .  
پیشنهاد آقای یاسائی قرائت میشود .  
(بمضمون ذیل قرائت شد)

مقام منبع ریاست مجلس شورای ملی بنده پیشنهاد میکنم بعد از کلمه متجانس فقط نوشته شود بطور بین الهلالین (باستثنای ذغال سنک)

رئیس - آقای یاسائی  
(اجازه)

یاسائی - چون از این کلمه هیدر و کربور که اینجا نوشته شده است ما از آن چیزی نمی فهمیم و کلمه فارسی و عربی هم ندارد که درست مفهوم شود و شاید بعضی تصور کنند که ذغال سنک هم داخل در اشیاء متجانس نفتست بنا بر این خوبست آنرا مستثنی کنند .

مخبر ذغال سنک را بنده مخصوصاً توضیح دادم که یکی از دلایلی که ما هیدر و کربور متجانس نفت نوشته ایم برای اینست که ذغال سنک را مستثنی بکنیم و اشخاصی که با اصول شیمیائی آشنا هستند میگویند که ذغال سنک متجانس نفت نیست .  
یاسائی - استرداد میکنم .

مخبر - قبل از آنکه رأی گرفته شود یکی از همکاران محترم من تذکره داده اند که در سطر دوم کلمه تحقیق به تحقیق تبدیل شود و چون از نقطه نظر روال عبارت تغییر این کلمه عیب ندارد بنده قبول میکنم و این اصلاح را خودم میکنم که کلمه تحقیق تحقیق شود .

رئیس - رأی می گیریم بماده ششم با تبدیل تحقیق به تحقیق آقایانی که تصویب میکنند قیام فرمایند

(اغلب نمایندگان قیام نمودند)  
رئیس - تصویب شد .  
آقای ملک اشعراء پیشنهاد تنفس کرده اند .

(از طرف نمایندگان - صحیح است) در این موقع جلسه برای تنفس تعطیل و پس از نیمساعت مجدداً تشکیل ولی عده بقدر کفایت در مجلس حاضر نشد)  
رئیس - چون عده کافی نیست جلسه را ختم میکنیم .

جلسه آتی هر روز سه شنبه چهار ساعت قبل از ظهر . دستور هم لایحه نفت است .  
(مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم شد)

م - شهاب - منشی معظم السلطان  
رئیس مجلس شورای ملی  
مؤتمن الملك

صورت مشروح مجلس یوم سه شنبه ۳۱ سرطان ۱۳۰۳ برابر ۱۹ ذی حجه ۱۳۴۲ (مجلس سه ساعت قبل از ظهر بریاست آقای مؤتمن الملك تشکیل گردید) (صورت مجلس یوم یکشنبه ۲۹ سرطان را آقای معظم السلطان قرائت نمودند)  
رئیس - آقای دست غیب  
(اجازه)

دست غیب - بنده را در صورت مجلس جزو دیر آمدگان نوشته اند گمان میکنم اشتباه شده باشد بنده سر وقت حاضر بوده ام .

رئیس - خودتان جزو اداره مباشرت هستید تحقیق نمائید اگر اینطور بود اصلاح می شود .

دست غیب - بنده از اداره مباشرت استعفا داده ام .

رئیس - یکی استعفا داده اید .  
دست غیب - با اداره مباشرت .

رئیس - با اداره مباشرت نباید استعفا بدهید .  
دست غیب - حالا در مجلس عرض میکنم استعفا دادم يك کسی دیگر را انتخاب میکنند .

رئیس - دیگر ایرادی نیست؟  
(گفته شد خیر)

رئیس - وارد در دستور میشویم - ماده دوم لایحه امتیاز فقط حاضر شده قرائت و اگر مخالفی نباشد رأی گرفته می شود آقای مخبر کمیسیون هم اطلاع دادند که کسالت دارند .

آقا سید یعقوب آقای تدین و سایرین حاضرند .

رئیس - خودشان تقاضا کرده اند که آقای سهام السلطان جای ایشان باشند حقیق این بود که کمیسیون يك نفر دیگر را معین کند ولی چون وقتی باقی نیست عجلتاً همین ترتیبی که مخبر تقاضا کرده اند رفتار می شود .

(جمعی از نمایندگان صحیح است) ماده دوم بشرح ذیل قرائت شد  
ماده ۲ - صاحب امتیاز حق و اجازه غیر انحصاری برای تصفیه و بعرض تجارت رسانیدن و حمل و خرید و فروش و صادر کردن نفط و گاز طبیعی و غیره و موم معدنی